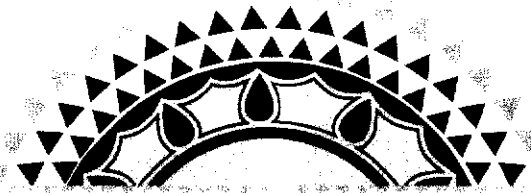


آیین بودای کره ای

حبیب دوستدار



بسیاری از ادیان در زادگاه خود نمانده اند و در گذر تاریخ روانه سرزمین های دور و نزدیک شده اند و از این رهگذر چه بسا برای ماندگاری و حیات زایی به رنگ فرهنگ مردمان آن سرزمین ها در آمده باشند. آیین بودا از جمله آن ادیانی است که آرام آرام از زادگاه خود (هند) سر برآورد و پا به سرزمین های دیگر گذاشت. آیین بودای ژاپنی از جمله مسافری است که سالیانی پیش با گذر از سیری طولانی و پریپیچ و خم خود را به ژاپن رساند.

این سلسله نوشتار می کوشد تا از همان راه های رفته باز گردد و به زادگاه آیین بودا رسد. در بخش نخست پنجره ای به ادیان، در آخرین منزل گاه آیین بودا گشت و گذاری داشتیم و شواهد اینک دست ما را گرفته و به مرزهای شبه جزیره کره آورده است. لذا این نوشتار پا به درون این سرزمین گذاشته است و پرس پرسان روزگاری را می کاود که آیین بودا در آنجا خانه کرده بود.

سلسله های پادشاهی در کره دوره های مختلف داشته است. سنت مهیایانه کره ای نیز چنین بوده است، مکتب های متنوع و مختلفی در سنت مهیایانه ظاهر شده اند. سنت مهیایانه در دوره های نخست تنها دین اشراف و دربار بوده است و توده مردم چندان از آن استقبال نکرده اند. در دوره هایی نیز شاهد ظهور سنت مهیایانه عام فهم و توده ای هستیم. برای مثال، مکتب سرزمین پاک از آن جمله است. در دوره هایی نیز مکتب خاص فهم و باطنی، برای مثال مکتب دن، وارد آن سرزمین شده است. این مکاتب همیشه جدا از هم نزیسته اند، در دوره هایی تلاش شد تا این مکاتب زیر نظام واحدی گرد آیند. و از این بالاتر در دوره هایی نیز از اتحاد آیین بودا و دیگر ادیان (کنفو سیوس و دائوئیسم) سخن به میان آمد.

اگرچه ممکن است به نظر رسد که این تنوع مکاتب مهیایانه بودایی مانع ظهور فرهنگی یکپارچه در کره شده است، اما در آن سوی این تنوع و کثرت می توان شاهد ویژگی های مشترک در آیین بودای کره ای بود.

این نوشتار به آیین بودای کره ای از دو منظر نگاه می کند؛ نخست به نگاهی کلی به آیین بودا در سلسله های مختلف می پردازد و سپس می کوشد تا اندیشه بودایی هر دوره را به اختصار بیان کند. و در آخر ویژگی های آیین بودای کره ای را نشان می دهد.

۱. منظر نخست: تاریخ آیین بودای کره ای

۱-۱. دوره آغازین

برای شناخت آیین بودای کره ای، نخست باید تاریخ آن را بررسی کنیم. تاریخ ورود آیین بودا به کره را سال ۳۷۲ میلادی ذکر می کنند، هرچند بنا بر شواهدی، کره پیش تر از این تاریخ نیز با آیین بودا ارتباط داشته است. امروزه آیین بودا با همه ابعاد فرهنگ کره در هم تنیده است. وقتی که آیین بودا نخستین بار به شبه جزیره کره یا نهاد، آیین شمنی^۱ دین بومی آن منطقه بود. از آن جا که ساکنان آن دیار آیین بودا را در تعارض با دین بومی شان نمی دیدند، آیین بودا توانست بی هیچ مانعی با دین شمنی درآمیزد. و لذا طولی نکشید که بسیاری از کوه هایی که در دوره پیش از بودا محل اقامت خدایان شمنی انگاشته می شد، تبدیل به معبدهای بودایی شدند.

دین شمنی کره به سه خدا با احترام و اهمیت خاصی می نگریست و آیین بودا این سه خدا را پذیرفت و در خود جذب کرد. حتی امروزه نیز در بسیاری از معابد بودایی کره، مکانی به این خدایان اختصاص دارد. از این رو، آیین بودای چینی با دین شمنی درآمیخت و شکل منحصر به فردی از دین، به نام آیین بودای کره ای پدیدار شد. اما این به معنای آن نیست که آیین بودا یکسره کره ای شده باشد. تعالیم بنیادی بودا همچنان دست ناخورده ماند و تنها شکل آن به طرز منحصر به فردی کره ای شد، که خود نتیجه اثرپذیری از فرهنگ و سنن بومی بود.

۲-۱. دوره کوگوریو^۲

در سال ۳۷۲ راهبی از چین به دربار کوگوریو راه یافت. او متون بودایی و پیکره بودا را با خود به این پادشاهی آورد. در این زمان آیین بودای کره ای شکلی ابتدایی داشت. بوداییان به قانون کرمه و علت و معلول (هرچه بکارید همان را درو می کنید) و به سعادت اخروی اعتقاد داشتند. این فلسفه ساده مشترکات بسیاری با اعتقادات شمنی داشت و احتمالاً به همین دلیل بود که مردم کره بسیار سریع آیین بودا را پذیرفتند.

۳-۱. دوره پانکچه^۳

آیین بودا در سال ۳۸۴ از پادشاهی کوگوریو

به پادشاهی پانکچه راه یافت و در آن جا نخست خانواده سلطنتی، آن را پذیرفت. تعالیم بودایی در این پادشاهی ظاهراً با تعالیم بودایی در پادشاهی کوگوریو شباهت داشت. از سال ۵۳۰ به بعد، راهبان کره ای روانه ژاپن شدند و آیین بودا را به آن سرزمین بردند. در بیشتر این سفرها معماران، نقاشان، شاعران و دیگر هنرمندان آن ها را همراهی می کردند و همین افراد هنرمند بودند که معابد بزرگی در ژاپن بنا کردند.

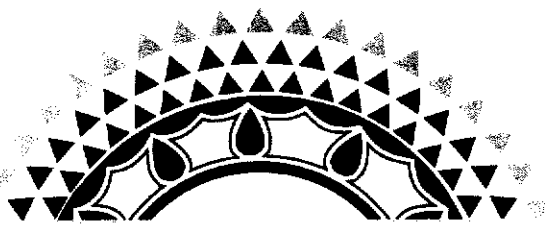
۴-۱. دوره پادشاهی سیلا متحد^۴ (۶۶۸-۹۳۵)

در ۶۶۸، آیین بودا، پادشاهی سیلا، دیگر قلمرو پادشاهی را فتح کرد و آیین بودا به عنوان فرهنگی قدرتمند وحدت بخش شبه جزیره شد. این دوره به دوره "سیلا متحد" معروف شده است. این شبه جزیره کوچک، که بین دو تمدن بسیار بزرگ ژاپن و چین قرار داشت، برای آن که در برابر تاخت و تاز بیگانگان در امان بماند، مراسم و آیین های ملی مختلفی را شکل داد. از همان آغاز، از آیین بودا در جهت اتحاد استفاده کردند و آموزه "به هم پیوستگی همه چیز" در شکل گیری این اتحاد نقش داشت. در سرتاسر دوره "سیلا متحد"، آیین بودا هم از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ مدرسی رونق داشت و در حال رشد و بالندگی بود. این دوره دوره خلق هنر دینی است؛ چنان که معبدهای اصلی کره و پیکره های زیبایی از بودا در این دوره ساخته شد. مشهورترین پیکره سنگی بودا در ۷۳۲ تراشیده شد که هنوز هم مایه شگفتی هربیننده ای است.

در این دوره سوره اومتسکه و سوره نیلوفر کانون اصلی مطالعه بود و بسیاری از مناجات ها درباره امیتابه^۵ (فروغ بی کران) و اولکیتشوره^۶ (بوداسف غم خوار) بود. در اواخر دوره "سیلا متحد"، مکتب "سون"^۷ (در چین، "چن" و در ژاپن "تن") از چین وارد کره شد و جنبه تازه ای از آیین بودای کره گردید. از این پس مراقبه و تجربه مستقیم مورد تأکید قرار گرفت و نه مکتب دن پدید آمد که به "نه کوه دن" معروف اند.

۵-۱. دوره کوریو^۸ (۹۳۵-۱۳۹۲)

پس از افول پادشاهی سیلا متحد، سلسله کوریو در قرن دهم بر اریکه قدرت نشست. آیین بودا کماکان دین ملی بود و پادشاهان هم چنان



در سراسر کشور زیارتگاه و معبد می‌ساختند. اما در این دوره شکل ظاهری مراسم و آیین‌ها بیش از اندازه کانون توجه قرار گرفت و در نتیجه فضا برای رشد معنوی نامساعد شد.

راهبانی در تلاش برای احیای جنبه معنوی آیین بودا به مبارزه با گرایش مناسکی و شعاعی برخاستند. یکی از این راهبان استاد اوی چون^۹ (۱۰۵۵-۱۱۰۱) بود که در حدود چهار هزار مجلد از متون بودایی را در زمانی که در چین به سر می‌برد جمع‌آوری کرد که تری پیتکه^{۱۰} کره‌ای از این دسته است. این راهب بزرگ پادشاهی کوریو، به این نکته اهمیت می‌داد که مراقبه ذن و سنت‌های مبتنی بر متن اوتسمکه^{۱۱} را باید تحت مکتب جدیدی جمع کرد. او این مکتب تازه را تن دابی^{۱۲} خواند. این تحول به آیین بودای دوره کوریو جان تازه‌ای بخشید.

۱-۶. دوره چوسون (۱۳۹۲-۱۹۱۰)

با زوال سلسله کوریو در ۱۳۹۲، آیین بودا آرام‌آرام غروب کرد؛ زیرا حاکمان سلسله چوسون آیین نو کنفوسیوس را اختیار کرده بودند. پیش از این، بسیاری از راهبان بودایی بیش از حد در سیاست افتاده بودند و به مشاجرات حکومتی دامن زده بودند. به دنبال گرایش جدید به آیین کنفوسیوس بعضی از پادشاهان چوسون، اعمال فشار و محدودیت کردند. ساخت معابد بودایی در شهر قدغن شد و بوداییان تنها در کوهستان‌های دورافتاده اجازه بنای معبد داشتند. در این دوره، معابد بسیاری تخریب شد، راهبان تبعید شدند و تا چندین سال اجازه ورود به پایتخت را نداشتند.

در اواخر قرن شانزدهم، در جریان هجوم ژاپن، بوداییان برای نجات کشور از سلطه ژاپن به پا خاستند. استادی بودایی به نام سوسان^{۱۴} در سن ۷۲ سالگی، یک گروه پنج هزار نفری از راهبان بودایی را آموزش داد و در جنگ علیه سربازان ژاپنی آن‌ها را رهبری کرد. در این اوضاع و احوال، چند صباحی آزار و شکنجه بوداییان کاهش یافت؛ زیرا حکومت سپاس‌گزار راهبانی بود که چون منجیانی کمر به نجات کشور از سلطه بیگانگان بسته بودند.

۱-۷. دوره مدرن: بازسازی

در ۱۹۱۰ با الحاق کشور کره به ژاپن، سلسله چوسون فرو پاشید. در این دوره، کره که مستعمره ژاپن بود، بسیار مورد توجه و حمایت سیاست ژاپنی‌ها قرار گرفت. در این زمان رسم

ژاپنی ازدواج راهبان بودایی به کره راه یافت. هم‌چنین بر خلاف سنت، رهبران معابد را مراجع ژاپنی منصوب می‌کردند.

پس از آزادی کره در ۱۹۴۵، اعضای مجرد بزرگ‌ترین انجمن ذن کره‌ای یعنی چوگی^{۱۵}، که در حدود نود درصد دیرهایی را که در کره فعال‌اند اداره می‌کند، جانشین راهبان متأهلی شدند که در ایام اشغال ژاپن مسئولیت معابد را داشتند. تعداد فراوانی از زنان و مردان فرمان بردند و احیای بزرگی در آیین بودای کره پدید آمد.

امروزه پس از یک دوره طولانی افول، آیین بودای کره در حال طلوع دوباره است و بنا بر نظرسنجی‌های حکومت، بیست و پنج درصد مردم کره خود را بودایی می‌دانند. افزون بر این، بسیاری از کره‌ای‌ها، گرچه خود را بودایی نمی‌خوانند، اما دارای دیدگاهی بودایی درباره زندگی و جهان پس از مرگ‌اند. آنانی هم که پیرو ادیان دیگرند، بسیاری از آداب و رسومشان دارای خاستگاه بودایی است و انکار نمی‌توان کرد که آیین بودا در اعماق فرهنگ کره ریشه دوانده است.

۲. آیین بودا از منظری دیگر: اندیشه بودای کره‌ای

در آغاز، آیین بودا به عنوان یک نظام فکری بیگانه وارد شبه جزیره کره شد. ظهور آیین بودا در هند و ورود آن به کره از راه آسیای مرکزی و چین، نخستین مرحله آشنایی مردم کره با آیین بودا بود. آیین بودای کره‌ای آرام آرام پدیدار شد و تحول پیدا کرد و سرانجام اساس ایدئولوژی و پیشینه فرهنگی مردم کره شد؛ به طوری که این آیین بر هر مرحله از تاریخ و هر جنبه‌ای از فرهنگ کره نقش بسته است. فرایند شکل‌گیری آیین بودای کره‌ای، مانند تحول آیین بودا در دیگر کشورها، با جوش خوردن تعالیم بودایی با فرهنگ بومی همراه بود. از این رو کره‌ای‌ها خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگ بومی خود را به آیین بودایی تزریق کردند و شکل کاملاً جدیدی از آیین بودا را ایجاد کردند که با آیین بودای هند و چین فرق داشت. لذا در آیین بودای کره‌ای می‌توان شاهد مشخصات منحصر به فردی بود.

اینک با ذکر خطوط کلی گرایش‌های فلسفی بودایی در کره به خواننده کمک می‌کنیم تا با فرایند کلی و مشخصات اصلی‌ای آشنا شود که در سیر تکاملی آیین بودای کره‌ای پدید آمده

است. از وقتی که آیین بودا به شبه جزیره پا نهاد، اندیشه بودای کره‌ای در سیر تکاملی خود دست‌خوش چندین مرحله مختلف شده است که به اختصار از این قرارند:

۲-۱. دوره ورود

پس از آن‌که آیین بودا برای نخستین بار وارد کره شد، با مشکل استقرار در محیط جدیدی روبه‌رو شد که دین شمنی بر فضای فلسفی-اجتماعی آن خیمه زده بود. بنابراین، وظیفه اصلی آیین بودا، همانند هر دین جدیدی، آن بود که بکوشد تا از راه‌های مختلف، اصول اصلی تعلیم بودایی را به مردم عرضه کند. مهم‌ترین تعلیم بودایی عبارت بود از تعلیم کرمه و علت و معلول. به طوری که آیین بودا فلسفه‌اش را در کره با تمرکز بر روی نظریه کرمه، که آموزه اصلی آیین بوداست، شکل بخشید. و این اصل اعتقادی، به‌تنهایی سبب شد تا آیین بودایی خود را با فرهنگ شمنی انطباق دهد. خدایان شمنی به آسانی در آیین بودا جذب شدند، اما اصول بودایی ثابت و تغییرناپذیر باقی ماند.

آیین بودا مورد اقبال و حمایت پادشاهان و خانواده سلطنتی سه پادشاهی قرار گرفت؛ زیرا در مقایسه با نظام فکری و فرهنگی بومی، توانست ایدئولوژی سودمندتری را برای تحول اجتماعی عرضه کند. این آیین عاملی بسیار ضروری دانسته می‌شد، که چرخ حکومت سه پادشاهی می‌توانست بر مدار آن به گردش افتد. زیرا هر سه پادشاهی مشتاق اتحاد و یک‌پارچگی بودند. خانواده‌های سلطنتی و اشراف آیین بودا را پذیرفتند و آن‌گاه به‌تدریج آن را به نظامی ملی تبدیل کردند. از این رو می‌توان گفت آیین بودا در دوره "ورود" آیینی حکومتی و دینی اشرافی بود.

۲-۲. دوره استقرار

آیین بودا به سبب ویژگی سودمند ایجاد وحدت ملی، پس از ورودش به کره بسیار زود استقرار یافت. زمان دقیق استقرار آن را نمی‌توان نشان داد، اما می‌توان گفت یکی دو قرن پس از ورود به شبه جزیره بود. پس از استقرار در حدود اوایل قرن ششم، انگیزه تحقیق آکادمیک و پژوهش در مسائل نظری و توسعه آیین بودا در سطح بالایی پیدا شد و همین تحول بود که سبب جذب آیین بودا در فرهنگ کره شد. بنا بر اسناد و مدارک، پژوهش در میان راهبان



گرفته بودند، وارد جریان اصلی فلسفه جدید شدند.

۲-۵. دوره تغییر شکل

تحول سریع فلسفه تن دایی که هم بر مراقبه و هم بر تفسیر تأکید داشت، بر کل مطالعات بودایی در دوره نخست پادشاهی کوریو تأثیر گذاشت و به خصوص مکتب ذن عمیقاً از آن تأثیر پذیرفت. نتیجه آن شد که بسیاری از استادان ذن به مکتب جدید تن دایی تغییر عقیده دادند و در نتیجه در آن روزگار، تأسیس مکتب تن دایی سد راهی بر پیشرفت ذن شد.

در اواسط دوره کوریو، استادی جهت‌گیری جدیدی را در سنت ذن ایجاد کرد و انجمن‌های بودایی، مانند مکتب اوتمسکه را به شدت به باد انتقاد گرفت. انجمن مراقبه و تفسیر او، بر عمل متوازن مراقبه و شناخت تأکید داشت تا آیین بودا را از آلودگی قدرت سیاسی حفظ کند. نگرش ذن او، تقابل خوبی با نگرش اویچون ایجاد کرد که قصد داشت ذن را، از راه تأسیس مکتب تن دایی در دوره کوریو، داخل در مکتب آکادمیک کند.

هنگامی که سنت ذن در دوره کوریو بار دیگر از رخوت بیرون آمد، مکتب تن دایی انجمن مشابهی را بنیان نهاد و استاد یوسه (۱۱۶۳-۱۲۴۵) انجمن نیلوفر سفید را در معبدی محلی تأسیس کرد. این استاد بر آرزوی تولد مجدد در سرزمین پاک و بر مراقبه و شناخت تن دایی تأکید کرد و به این طریق از آیین بودای مردمی حمایت کرد.

پس از آن، سنت جدید ذن در اواخر دوره کوریو وارد شد. در همین زمان، حکومت نظامی، که برای جنگ علیه مغول‌ها تقویت شده بود، از بین رفت و بار دیگر حکومت امپراتوری سر برآورد. از این رو از قرن سیزدهم آیین بودای دوره کوریو خود را در وضعیت جدیدی یافت؛ مکتب ذن و مکتب تن دایی در این دوره فعال شده بودند. اما این صرفاً نقوذی اجتماعی بود و بر جنبش فلسفی اصلاً تأثیر نگذاشت. در واقع، این تأثیر آیین بودای اشرافی و بیشتر موضعی سیاسی بود.

در آن زمان اوموک، استاد تن دایی انجمن نیلوفر سفید، بر پالایش آیین بودا اصرار داشت و از این رو از داشتن اعتقاد عمیق به امینابه دفاع می‌کرد. هم‌چنین چیون، استاد اوتمسکه، الهام‌بخش اعتقاد به اولکیتشوره بود که بر سوره تاج گل مبتنی بود. به علاوه، استاد ونچن، گروه خاص فهمی را شکل داد که منتره‌ها را از بر تلاوت می‌کردند و تولد مجدد در سرزمین

فلسفه اوتمسکه که استادانی چون یو مدافع آن بودند، با یکی‌سازی سیاسی اجتماعی‌ای که حکومت سیلا متحد به آن نیاز داشت، ربط و نسبت خوبی داشت. در اواسط سلسله سیلا متحد، در کنار حوزه‌های مطالعات مه‌ایانه‌ای چون سرزمین پاک، آیین بودای خاص فهم، تحقیق در سوره نیلوفر و اعتقاد به اولکیتشوره، گرایش تازه‌ای در فلسفه ویجینیانه مائر واده شکل گرفت.

۲-۴. دوره گسترش

اما این تحقیقات در دوره متأخر سلسله سیلا متحد با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد. مطالعات تفسیری جای مطالعات نظری را گرفت. آیین بودای سلسله سیلا به محرک تازه و نیروی جدید نیاز داشت تا دوباره سرعت گیرد. این بعد جدید را، که فرق اساسی با گرایش‌های موجود داشت، استادان سیلابی‌ای درآنداختند که در چین مطالعه کرده بودند و آن آوردن مکتب سون (ذن) بود. این مکتب را می‌توان در ششمین استاد ذن چینی، هوی نن (۶۳۸-۷۱۳) ردیابی کرد که با تأکید بر مراقبه، همه مطالعات ایدئولوژیک، مانند اوتمسکه را نفی کرد. مکتب ذن بر مکاتب مدرسی آیین بودا که گرفتار کنکاش‌های خشک مدرسی شده بودند، ضربه سختی وارد کرد.

سپس در سلسله کوریو (۹۱۸-۱۳۹۲)، فلسفه ذن کاملاً پذیرفته شد و در نتیجه راه برای تحول و رشد بسیار آن هموار گشت. پایه‌گذار سلسله کوریو، این فلسفه را مشتاقانه حمایت کرد و بسیاری از استادان ذن را که می‌توانستند برای اداره پادشاهی جدیدش سودمند باشند فراخواند. مطالعات بودایی که در اواسط سلسله سیلا متحد شکل گرفته بود در دوره کوریو ادامه پیدا کرد و اساس جهت‌گیری جدید شد. در این دوره در مطالعات تنوع وجود داشت و فلسفه اوتمسکه، یوگاچاره و فلسفه ویجینیانه مائر واده، در کنار مکتب ذن رشد یافت و مطالعه مکتب تن دایی اهمیت پیدا کرد.

اوتمسکه هنوز فراگیرترین مکتب تفسیری دوره کوریو بود. استاد کیونبو (۹۲۳-۹۷۳) وارث فلسفه اوتمسکه دوره سیلا متحد بود. او با اتخاذ گرایش جدید اوتمسکه چینی، هم بر تفسیر متون و هم بر مراقبه تأکید داشت و آن دو را با هم مطرح می‌کرد.

از همین زمان بود که مراقبه ذن و آموزه تن دایی که از اوایل دوره کوریو مورد توجه قرار

پادشاهی کوریو بسیار رونق یافت. یکی از استادان درباره مطالعه سه رساله، که از متون اصلی آیین بودای هندی، به خصوص فلسفه مادیمیکه^{۱۶} مه‌ایانه است، به تحقیق و پژوهشی روش‌مند پرداخت. بسیاری از استادان پادشاهی کوریو یا در کره یا در چین به فعالیت علمی مشغول بودند. استادی در فلسفه سرواستی واده^{۱۷}، مکتب بزرگ آیین بودای هیینه یانه^{۱۸}، پژوهش می‌کرد. استادی دیگر به عنوان دانشمند بزرگ سوره نیروانه معروف بود و دیگری به صاحب‌نظری در مکتب تن دایی شهره بود.

در پادشاهی پانکچه نیز تحقیقات بسیاری انجام گرفت و اعتقاد به سوره نیلوفر و امینابه (بودای آینده) به طور شگفت‌انگیزی افزایش یافت. مطالعه نظری دوره پانکچه، آیین بودا را به ژاپن معرفی کرد و اساس آیین بودای ژاپنی شد. سلسله سیلا، آیین بودا را بعد از پادشاهی کوریو و پادشاهی پانکچه به رسمیت شناخت و از همان آغاز مکتب سرزمین پاک به عنوان ایدئولوژی بودایی حاکم پذیرفته شد. بعدها، از اوایل قرن هفتم، مطالعات درباره متون مختلف مه‌ایانه رواج پیدا کرد.

خلاصه آن که، اندیشه بودایی این سه پادشاهی از تحقیق در متون هیینه یانه و مه‌ایانه چندان فراتر نمی‌رفت. اما پژوهش سونگ نانگ، از استادان دوره پادشاهی کوریو، درباره سه رساله را منشأ فلسفه بودایی کره‌ای دانسته‌اند.

۲-۳. دوره بسط

پس از نیمه قرن هفتم، اندیشه بودایی کره بسیار تحول یافت اما این رشد و تحول، بسیار متفاوت با روزهای اول بود. در حدود صد و سی سال بعد، پادشاهی به نام مونومو (۶۶۱-۶۸۱)، که این سه پادشاهی را در ۶۶۸ متحد کرد، تحقیق در مه‌ایانه را بسیار رونق بخشید و در نتیجه بسیاری از راهبان به تألیف رو آوردند. تحقیق و پژوهش در این دوره بسیار متنوع بود و بسیاری از حوزه‌های مطالعات بودایی، مانند وینیه، سه رساله و سرزمین پاک را دربرمی‌گرفت.

استاد ون یو به مطالعه تطبیقی درباره هیینه یانه و مه‌ایانه رو آورد و درباره فلسفه "بیداری ایمان"^{۱۹} که بر مفهوم "تتاگته گربه"^{۲۰} تأکید دارد و درباره این نظریه که هر چیزی از ذهن سرچشمه می‌گیرد، نظریه‌های تازه‌ای ارایه داد.



پاک را بشارت می‌دادند. ویژگی مشترک همه این گرایش‌ها آن بود که به کمک بوداسف‌ها یا بودایان اعتماد داشتند و این سبب تفاوت آن‌ها با مکتب ذن می‌شد.

در میانه قرن چهاردهم، سنتی دیگر از ذن وارد کره شد. این سنت از دیگر سنت‌های ذن فعال‌تر بود. ذن در دوره کوریو بسیار پیشرفت کرد و از طریق این جهت‌گیری تازه، اندیشه بودایی ذن احیا و بازسازی شد.

۲-۶. دوره رکود

از اواخر قرن چهاردهم، سلسله چوسون (۱۳۹۲-۱۹۱۰)، که بر ایدئولوژی سیاسی نوکنفوسیوسی استوار بود، آیین بودا را سرکوب کرد و سبب رخوت آن شد. دومین پادشاه سلسله چوسون، سیاست پلیسی سرکوب و کنترل را تمام و کمال اجرا کرد؛ به طوری که به نابودی اقتصادی و فرهنگی آیین بودا انجامید. این سیاست خشن به دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اجرا درآمد. از این رو، علی‌رغم گرایش عمومی آزار و شکنجه، برخی از پادشاهان و افراد خانواده سلطنتی شخصا از آیین بودا پیروی می‌کردند و با راهبان بودایی ارتباط داشتند. بدین ترتیب، هم سرکوب و هم حمایت از آیین بودا در سلسله چوسون وجود داشت.

۲-۷. دوره جهت‌گیری جدید

سیاست سرکوب و حمایت آیین بودا پس از اواسط دوره چوسون به پایان رسید و در نتیجه دوباره اندیشه و اعتقاد بودایی بر جریان عمومی حوادث تأثیر گذاشت. اما دانشمندان نوکنفوسیوسی انجمن آکادمیک کره‌ای را رهبری می‌کردند و از دوره میانی به بعد، بیش از پیش قدرت مند شدند. بنابراین آیین بودا که برای فرار از خطر، به کوه‌ها پناه برده بود، وظیفه اصلی را صرفا حفظ خود می‌دید. در این زمان بوداییان سخت کوشیدند تا راهی برای سازگاری آیین کنفوسیوس و آیین بودا بیابند. یکی از راه‌ها آن بود که برای پایان دادن به اختلافات و کشمکش‌ها کتاب‌های مختلفی به رشته تحریر درآوردند. در برخی از این کتاب‌ها تلاش شده بود تا برداشت نادرست دانشمندان کنفوسیوسی از آیین بودا اصلاح شود، که نتیجه آن کم‌وبیش هماهنگ‌سازی آیین کنفوسیوس و آیین بودا بود. تلاش برای آشتی هم‌چنان ادامه داشت. در اواسط دوره چوسون نیز برای برقراری صلح، از سازگاری تعالیم آیین کنفوسیوس، تائوئیسم و

آیین بودا حمایت می‌شد. وظیفه آیین بودا که تا دوره میانی کوریو وحدت مراقبه و تفسیر بود، در سلسله چوسون به هماهنگ‌سازی آیین کنفوسیوس و آیین بودا تبدیل شد.

حرکت گرایش فلسفی بودایی در اوایل دوره چوسون رو به پیش بود. اگرچه هشت مکتب مراقبه و چندین مکتب تفسیری به هم آمیختند، انجمن ذن و تن دایی هنوز فعال بودند و فلسفه ذن هم‌چنان می‌کوشید تا شامل تفسیر شود. گذشته از این، پروژه نوشتن متون بودایی کره و ترجمه متون از زبان چینی به زبان کره‌ای توسط پادشاهانی که از آیین بودا حمایت می‌کردند ادامه داشت. این پروژه‌ها اهمیت فلسفی داشتند. متون اصلی مه‌ایانه مانند سوره دل، سوره نیلوفر، و سوره الماس، در این دوره به زبان کره‌ای ترجمه شدند. به علاوه متون خاص فهم بودایی و چندین متن ذن نیز نشر یافت. انتشار گسترده این متون نظری سنتی، دلیلی است بر این که نظر نیز نقش مهمی داشت، اگرچه آیین بودا در دوره چوسون اساسا بر مراقبه اهمیت می‌داد.

علی‌رغم این حوادث، بوداییان عمدتا مورد آزار و اذیت و سرکوب حکومت قرار داشتند و این سیاست هم‌چنان پس از دوره میانی ادامه داشت. اما پس از آن، گرایش جدیدی نیز در تفکر بودایی پیدا شد. اینک وظیفه اصلی انجمن بودایی سلسله چوسون انتقال میراث درمه است. درحالی‌که در اوایل دوره، تفسیر از مراقبه اهمیت بیشتری داشت، دوری از تفسیر و ورود به مراقبه در دوره متأخر فراگیر و رایج بود و از این رو، نظام انتقال میراث درمه آشکار شد. نظام‌های نظری سنتی چون اوتمسکه، گل نیلوفر، سرزمین پاک و آیین بودای خاص فهم، هنوز پابرجا بودند و علاوه بر این‌ها، مکتب ذن مکتب اوتمسکه را و به خصوص مکتب مادیمیکه و تلاوت سرزمین پاک را پذیرفت و سرانجام آن‌ها را در خود جذب کرد. در نتیجه پدیده منحصربه‌فرد عمل هم‌زمان سه رویکرد، یعنی مراقبه ذن، تفسیر متون و تلاوت خاص فهم و باطنی، در اواخر دوره چوسون پیدا شد.

در این دوره، پدیده‌های انتقال میراث درمه و عمل به سه رویکرد راه بودایی زیر تعدی و تجاوز حکومت قرار داشت. همه فعالیت‌های رسمی آیین بودا قذغن شد و بوداییان به خلوت کوه‌ها پنا بردند. تنها راه حفظ انجمن بودایی، انتقال میراث درمه بود. این نیز برای انجمنی که ویژگی‌های خاص خود در عمل هم‌زمان به

تعالیم نظری، چون اوتمسکه، سرزمین پاک، خاص فهم و اعتقاد به اولکیتشوره را از دست داده بود، طبیعی بود.

اما این نگرش بالا را می‌توان استقرار جهت‌گیری فلسفی تازه کل‌گرایانه دانست. در واقع، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم اگر ادعا کنیم که اندیشه بودایی کره‌ای از آغاز ورودش تا زمان ما، پیرو رویکردی کل‌گرایانه بوده است. هرچند اندیشه بودایی از اواسط دوره چوسون تا اواخر آن دوره زیر فشار و سرکوب قرار داشت، هم‌چنان کل‌گرایانه بود. به همین دلیل بود که اواسط دوره چوسون و نیز اواخر این دوره را زمانی دانسته‌ایم که جهت‌گیری تازه رخ نمود. اینک به‌اختصار به بررسی بعضی از ویژگی‌هایی می‌پردازیم که آیین بودای کره‌ای را منحصربه‌فرد می‌کند.

۳. ویژگی‌های آیین بودای کره‌ای

در سرتاسر تاریخ طولانی آیین بودای کره، همیشه ویژگی‌های خاصی در آن آشکار بوده است که شناسایی آن‌ها جالب خواهد بود؛ زیرا این ویژگی‌ها تصویری کلی از آیین بودای کره‌ای ارائه می‌دهند. این دوره تحول هرچه که باشد، به جهت وجود عواملی مهم، بر فضای کلی بودایی و نیز فرهنگ و مردم آن کشور تأثیر گذاشته است.

۳-۱. هویت فردی مستقل

اندیشه بودای کره‌ای اساسا ارتباط تنگاتنگی با اندیشه فلسفی آیین بودای چینی دارد. آیین بودایی، در آغاز ورودش به کره، مستقیم یا غیرمستقیم، آیین بودای چینی بود و استادان کره‌ای برای آن‌که آن را با فرهنگ کره‌ای سازگار کنند، تحقیقات تازه‌ای درانداختند. این شکل از آیین بودا با آیین بودای چینی فرق داشت؛ اگرچه مفاهیم اساسی آن هم‌چنان در اصل رنگ چینی داشت.

در دوره کوریو، تحقیق استاد سونگ نانگ درباره سه رساله، اساس مکتب سه رساله چینی شد. نمونه‌ای دیگر از تحول فردی را باید در ویجینیانه ماتره واده دوره سیلا دید که قطع نظر از تعالیم چینی شکل گرفت. در مورد اندیشه وینیه دوره پانکجه، استادی از دوره پانکجه وینیه‌های اصلی هندی را یک قرن پیش از مکتب وینیه چینی به کره آورد. این متون ترجمه شدند، به طوری که اندیشه منحصربه‌فردی، که با نظام اجتماعی پانکجه تناسب داشت، استقرار



یافت. اندیشه اوتمسکه کره‌ای بسیار با درمه چینی هماهنگ بود، اما در حالی که اوتمسکه چینی که به فهم فلسفی اهمیت می‌داد، در کره بر بخش عملی اوتمسکه تأکید می‌شد. استاد ون هیو نیز اندیشه اوتمسکه را بدون تأثیرپذیری از اندیشه چینی، با نظریه منحصر به فردی که درباره بیداری ایمان داشت شکل داد.

یک چنین رویکردی به آیین بودای کره‌ای در ورود ذن و استقرار آن در اواخر سلسله سیلا نیز آشکار شد. استادان سلسله سیلا درم ذن را از مکتب‌های مختلف ذن چینی به کره آوردند، اما هرگز اعلان نکردند وابسته به آن مکتب‌ها هستند. این گرایش در اندیشه ذن استادان دوره میانی کوریو دیده می‌شود که با هماهنگ‌سازی مبتکرانه مراقبه و تفسیر، اندیشه ذنی را شکل دادند که بی‌بديل بود.

عمل کل‌گرایانه بودایی این رویکردها، یعنی مراقبه، تفسیر سوره‌ها و تلاوت را در دوره شکل‌دهی جهت‌گیری جدید، به عنوان یک مثال فردانیت آیین بودای کره می‌توان دید. به این نحو می‌توان نتیجه گرفت که آیین بودای کره‌ای، در ارتباط نزدیک با آیین بودای چینی، هویت فردی خود را ساخت.

۲-۳. بنیان ایدئولوژیکی

آیین بودای کره‌ای چارچوب و ایدئولوژی را عرضه کرد، که با تمام تحولات اجتماعی در فرایند تاریخی‌اش هماهنگ بود. وظیفه مهم آیین بودا با ورود به کره مسئله استقرار بود. آیین بودا با پذیرش تفکر بدوی آیین شمنی، تفکر سنتی را متحول کرد. آیین بودا مفاهیمی چون نظریه کرمه را جایگزین اعتقاد شمنی کرد، سبب تحول اجتماعی شد و قدرت پادشاهی را تحکیم کرد. هر سه پادشاهی، آیین بودا را ایدئولوژی حکومت خود قرار دادند. به خصوص سلسله سیلا، قبل از اتحاد شبه جزیره به بهترین نحو از آیین بودا استفاده کرد و اجازه داد تا بر همه جنبه‌های زندگی تأثیر گذارد؛ به طوری که فرهنگ شبه جزیره کره به تدریج تحول یافت. از میان مکاتب بودایی، مکتبی که به طوره ویژه مردمی بود و سبب وحدت ملی شد، مکتب سرزمین پاک بود.

پادشاهی سیلا در استفاده از آیین بودا یک قدم پیش‌تر رفته بود. در این پادشاهی آیین بودا به عنوان بستر اصلی اتحاد بین سه پادشاهی به کار گرفته شد و آن‌گاه به عنوان ایدئولوژی حکومت متحد جدید نقش ایفا کرد.

از بین مکاتب بودایی، مکتب اوتمسکه به عنوان ایدئولوژی اجتماعی-سیاسی در ائتلاف و اتحاد سیلای متحد بسیار تأثیرگذار بود و ایدئولوژی بنیادی دوره کوریو نیز از آیین بودا سرچشمه می‌گرفت. در دوره چوسون، نظریه آشتی آیین کنفوسیوس و آیین بودا خلا ایدئولوژی آن زمان را پر می‌کرد.

۳-۴. جنبش اصلاحی فلسفی

اندیشه بودای کره‌ای از همان آغاز به اصلاح فلسفی و غلبه بر مفاهیم دگم رو آورد. آیین بودای کره‌ای درست پس از استقرار کامل، در دوره سه پادشاهی وارد مرحله استقرار فلسفی شد و در این راه از تحقیقاتی که صورت گرفته بود، کاملاً استفاده کرد. گرایش به پذیرش اندیشه تازه و باز بودن، نشانه ویژگی اصلاح طلبانه‌ای است که در سرتاسر تاریخ کره وجود دارد.

آیین بودا پس از اتحاد سه پادشاهی در وضعیت تازه‌ای قرار گرفت. در این مرحله سنت مهیانه کاملاً تحول یافت؛ زیرا برای سنت بودایی امکان نداشت که در یک سطح راکد بماند و در عین حال بتواند اخلاق اجتماعی و ایدئولوژی سلطنتی را توجیه کند. دوباره، وقتی که سنت بودایی مهیانه در راه تحول با مانع برخورد کرد، مکتب ذن، که مخالف رویکرد نظری بود، وارد میدان شد. مکتب ذن یک جنبش اصلاحی بود و تشویق مطالعات بودایی در اوایل دوره کوریو با همین هدف تحقق پذیرفت. از این‌رو استادان دوره کوریو صرفاً نظام فکری سنتی آیین بودای پادشاهی سیلا را ادامه ندادند، آن‌ها با مطالعه آیین بودای چینی اندیشه‌های تازه‌ای را اقتباس کردند؛ آن‌ها را وارد آیین بودای کره‌ای کردند و سرانجام آن‌ها را به نظامی یک‌پارچه تبدیل کردند. جنبش‌های بودایی در اواسط دوره کوریو و در اواخر دوره کوریو، با ورود ذن اصلاح فلسفی را قوی‌تر پی گرفتند.

۴-۴. در جست‌وجوی هماهنگ‌سازی

یکی‌سازی و هماهنگ‌سازی، از موضوعات همیشگی و محوری آیین بودای کره‌ای بودیکی سازی در تاریخ اندیشه بودایی بسیار چشم‌گیر است و برخاسته از اندیشه بودایی ون هیو، استاد سلسله سیلاست. کل تفکر این استاد، بر ایده اتحاد و یکی‌سازی استوار بود. او هم‌چنین مفهوم تهی (از فلسفه مادیسمیکه) و مفهوم وجود (از فلسفه ویجینیانه ماترواده) را در ساختار مفهوم ذهن واحد به هم پیوند داد.

ویژگی هماهنگ‌سازی را در اندیشه ویجینیانه ماترواده، استاد ون چوک و اندیشه اوتمسکه، استاد اوسنگ هم می‌توان دید. بیش از این، این بعد را در آثار استاد اوچون که نظریه‌اش در باره عمل دوگانه تفسیر و مراقبه در هماهنگ‌سازی نظریه‌های نظری و عمل است و هم‌چنین یکی‌سازی مراقبه و تفسیر که در آن زمان بسیار در تعارض بودند، می‌یابیم. اندیشه ذن استاد چینول نیز همین طور است؛ او تفسیر و به خصوص، اوتمسکه را که مکتب‌های مراقبه انکار کرده بودند، جسورانه پذیرفت و عمل مراقبه و تفسیر را در کنار هم قرار داد. بار دیگر در اندیشه استاد سوسان، در سلسله چوسون، هنگامی که آیین بودا سرکوب شد، آیین کنفوسیوس، تائوئیسم و آیین بودا را در کنار هم می‌بینیم.

گرایش به هویت مستقل، بنیان ایدئولوژیکی، اصلاح فلسفی و هماهنگ‌سازی تا امروز از رمق نیفتاده و ادامه دارد و آیین بودای کره‌ای با توجه به تاریخ طولانی‌اش، هم‌چنان این مسئولیت بزرگ را دارد که به همان روش ادامه دهد. فرهنگ و اندیشه بودای کره‌ای، شالوده ایدئولوژیکی مردم کره و پشتوانه تحولات این کشور است. امروزه آیین بودای کره‌ای به اندازه هر روز دیگری سازنده تاریخ کره است. بنابراین امروز نیاز و ضرورت شدیدتری وجود دارد که بار دیگر آیین بودا ایدئولوژی فلسفی تازه و راه عملی مناسب با جامعه مدرن را به آرمغان آورد.

پی‌نوشت:

1. Shamanism
2. Koguryo
3. Paekche
4. The United Sila Period
5. Amitabha
6. Avalokitsvava
7. Son
8. Koryo Period
9. Uichon
10. Tripitaka
11. Avatamsaka
12. Tendai
13. Choson Period
14. Sosan
15. Chogye
16. Madyamaka
17. Sarvastivada
18. Hinayana
19. Awakening of faith
20. Tathagata garbha
21. Hui-neng